

بررسی رابطه بین مولفه‌های عینی و ذهنی اقوام از بعد قومی و جنسی با مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان؛ با تاکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی

عباسعلی عرب* / دکتر امیر مسعود امیرمظاهری** / دکتر منیژه نویدنیا***

چکیده

هدف بررسی رابطه بین مولفه‌های عینی و ذهنی اقوام از بعد قومی و جنسی با مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان (با تاکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی) می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی است و جامعه آماری کلیه افراد ۱۸ سال به بالای سه قوم فارس، ترکمن و سیستانی مشخص شده است. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی، جداول توزیع فراوانی یک بعدی، دو بعدی و نمودارهای مربوطه به هر قسمت استفاده شده است و در قسمت آماره‌های استنباطی از ضرایب معناداری T و از میانگین و انحراف معیار و ضرایب همبستگی پیرسون (برای مقیاس فاصله‌ای) و اسپیرمن (برای مقیاس رتبه‌ای یا ترتیبی) و تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته از تحلیل مسیر استفاده گردیده است و همچنین جهت برآزش مدل از مطالعات ساختاری استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین نوع قومیت و جنسیت مولفه‌های عینی که شامل (عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت سیاسی، توجه به نظرات اقوام) با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. و همچنین در بین مولفه‌های ذهنی (سطح احساس تعلق قومی، احترام به نخبگان) با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها

قومیت، جنسیت، مشارکت سیاسی، انتخابات، شرق گلستان.

abali.arab1339@gmail.com

a.amirmazaheri@gmail.com

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گرایش سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

*** استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در زندگی سیاسی کشورهایی که اقوام مختلف در آن زندگی می‌کنند و تکوین و اضمحلال دولت‌های آنها، کشمکش‌های قومی و نژادی همواره نقش اساسی و یا حداقل مؤثر داشته‌اند. (الطائی، ۱۳۸۷: ۱۵۸) اندیشه برتری نژادی و قومی از اندیشه‌های بسیار کهن و رایج می‌باشد. تسلط یک نژاد یا قوم بر دستگاه دولتی، سرچشمه نارضایتی‌ها و رنجش‌های قومی بوده و عدم مشارکت سیاسی به دلایل نژادی و تبعیض نژادی در سطح امور سیاسی زمینه عمده شورش‌های قومی بوده است (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۰) و مشارکت یعنی حضور مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی جامعه (محرابی، ۱۳۸۷: ۵۷). مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اراده جامعه و تعریف مصالح عمومی (علیخانی، ۱۳۷۷: ۶۱). شاخص‌ترین نمود مشارکت سیاسی، انتخابات و حضور مردم در آن است. «انتخابات یکی از شاخصه‌های توسعه سیاسی و بیانگر نقش مردم در حکومت است. قوانین انتخاباتی، اجرای آن و میزان مشارکت مردم در انتخابات نشانگر رابطه حکومت و مردم و وضعیت اجتماعی آنان است» (کاوپانی راد و ویسی، ۱۳۸۷: ۴). برابری در عرصه‌های مختلف از جمله مشارکت دادن اقوام در عرصه‌های قدرت، منزلت و ثروت در همبستگی ملی مؤثر خواهد بود (قمری، ۱۳۸۴: ۱۳). در استان گلستان، اقوام مختلف در شهرستان‌ها و شهرهای گوناگون زندگی می‌کنند که هر یک با توجه به تحرکات و پویایی خود می‌تواند نقش عمده‌ای در معادلات امنیتی و سیاسی و انتخاباتی استان ایفا نمایند. با توجه به ترکیب جمعیتی و قومیتی خاص لذا ضرورت دارد جهت شناخت میزان نگرش اقوام مختلف در شرق استان نسبت به جریان مشارکت سیاسی بویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی، تحقیق انجام گیرد. لذا این تحقیق در جهت پاسخ به این سوال تدوین یافته است که آیا بین مولفه‌ی عینی و ذهنی اقوام از بعد قومی و جنسی با مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان رابطه معنادار وجود دارد؟

۱. مفاهیم تحقیق

قومیت^۱: عبارت است از آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی آن تفاوت و همچنین بسیج شدن بر پایه تفاوت. قومیت پدیده‌ای ذهنی است حتی اگر بر عناصر عینی یا فرهنگی و تاریخی مشترک استوار باشد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۶).

قوم^۲: عبارت از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و غیر آن است (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶).

قوم‌گرایی^۳: به گرایش افراد یک جامعه در جهت برتر پنداشتن فرهنگ ویژه خود اطلاق می‌شود (کوئن، ۱۳۸۱: ۵).

مشارکت^۴: به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷) و یا به معنای شرکت کردن، شریک کردن و سهمیم ساختن (معین، ۱۳۸۶: ۱۴۴۸).

مشارکت سیاسی^۵: فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم سیاستگذاری عمومی است (مصفا، ۱۳۷۵: ۹).

انتخابات^۶: جریان رسمی برگزیدن افراد برای تصدی مقامی در یک نهاد از طریق رأی‌گیری (انتخابات مجلس) (صدری افشار و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

مجلس شورای اسلامی^۷: نهاد قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران (صدری افشار و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۴۶).

۲. نظریه‌ها در رابطه با قومیت و مشارکت سیاسی

در ارتباط با این موضوع، نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است که برای تبیین موضوع پژوهش به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. Ethnicity
2. Folk
3. Ethnicity
4. Participation
5. Political Participation
6. Election
7. Islamic Consultative Assembly

راتچیلد- شاپفلین میان عوامل عینی و ذهنی پیدایش جنبش‌های قومی تمایز قائل می‌شوند. آن‌ها عوامل ذهنی را شامل متغیرهای روان‌شناختی، ایدئولوژیکی، سیاسی و فرهنگی دانسته؛ اما عوامل عینی را عمدتاً به عناصر اقتصادی و اجتماعی مربوط می‌دانند (امیراحمدی، ۱۳۷۷: ۳۹۴). تد رابرت‌گر در نظریه محرومیت نسبی معتقد است: محرومیت نسبی (اعم از فردی یا جمعی) نتیجه احساس وجود شکاف غیر قابل تحمل بین توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی است. بسته به شدت پایداری به ارزش مورد توقع، مشروع دانستن محرومیت، فرصت‌های بدیل ممنوع شده و دفعات محرومیت، احساس محرومیت نسبی، نارضایتی و خشم شکل می‌گیرد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰۴). در خصوص نظریه رقابت برسر منابع که از سوی جامعه‌شناسان و محققان علوم سیاسی نظیر گلنزر، موینهان و فردریک بارت و نیز سوزان اولزاک مطرح شده و معتقدند در جوامع چند قومی توزیع منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، عادلانه باشد و در غیر اینصورت رقابت بر سر منابع زمینه ساز سیاسی شدن قومیت می‌گردد (گل‌وردی، ۱۳۸۱: ۳۷). در رابطه با نظریه «قدرت نخبگان»، این نظریه توسط پل آر. براس مطرح گردید است. و «نخبگان اشخاص و گروه‌هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند یا به وسیله تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند و یا هیچانی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه‌ای موثر واقع می‌شوند.» (روشه، ۱۳۸۴: ۱۲۱). در دیدگاه مبادله باید گفت، این دیدگاه به طور رسمی در دهه ۱۹۵۰ با بررسی‌های هومنز مطرح شد. او قضیه‌های متفاوتی را پیشنهاد می‌کند که اساس نظریه مبادله را تشکیل می‌دهد (ریترز، ۱۳۷۳: ۴۱۴). که این قضایای هومنز عبارت‌اند از قضیه موفقیت، انگیزه، ارزش، اراده گرائی، تایید اجتماعی و عقلانیت. با توجه به دیدگاه‌های هومنز و پیتر بلاو و ریچارد امرسون می‌توان سه سطح مبادله را از یکدیگر تفکیک کرد. هومنز (سطح خرد) و پیتر بلاو (سطح میانه) و ریچارد امرسون (سطح کلان) می‌توان نام برد.

در خصوص رویکرد گزینش عقلانی یا انتخاب حساب‌گرانه باید گفت: برای رای دادن و یا رای ندادن و انگیزه افراد در انتخابات یک حزب سیاسی از میان احزاب دیگر دو نوع رویکرد وجود دارد: رویکرد ۱. نئوکلاسیک «انتخاب عمومی»؛ ۲. رویکرد مقابل، رویکرد «انتخاب منطقی ساختارگرا». رویکرد نئوکلاسیک «انتخاب عمومی» بر این پندار است که انگیزه‌ی احزاب برای رای دادن عمدتاً برگرفته از منافع شخصی اقتصادی آنان است. رویکرد دوم: «انتخاب منطقی

ساختارگراست» که بر مفاهیم جامعه شناختی از قبیل ارزشها، هنجارها و ساختارها برای تبیین رفتار رای دهی تکیه می‌کند (اپتر، ۱۳۸۰: ۳۹۰).

بررسی سوابق تجربی تحقیقات مرتبط با موضوع این مقاله نشان می‌دهد پژوهش‌هایی در این جهت انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

دوانلو (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی قومیت و مشارکت سیاسی در استان گلستان» نشان می‌دهد که بین انگیزه‌های قومی و مشارکت سیاسی رابطه معکوس معنی دار وجود دارد و بین تحقق مطالبات قومی و مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. در این تحقیق بین افراد فارس و ترکمن در میزان مشارکت سیاسی تفاوت معناداری وجود نداشت اما بین گروه قومی فارس و سیستانی و بلوچ تفاوت معنادار وجود داشته و گروه قومی فارس از گروه سیستانی و بلوچ تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی داشته‌اند.

حسینی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «شناخت نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی شهروندان در استان گلستان» نتیجه گرفته است که از میان متغیرهای مورد نظر محقق، بین سن، وضعیت تأهل، محل سکونت، نوع شغل، قومیت، میزان آگاهی سیاسی و مصرف کالای فرهنگی با میزان مشارکت سیاسی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

هادیان (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل تأثیرگذار بر افزایش مشارکت سیاسی مردم شهرستان ساری و میاندرد در انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی» انجام داده است و نهایتاً نتیجه گرفته است که بین عوامل چهارگانه (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) و مشارکت مردم در انتخابات رابطه وجود دارد.

حافظ نیا و پیردشتی (۱۳۸۱) در تحقیقی با موضوع «رفتار سیاسی قوم ترکمن»، نتیجه می‌گیرند که: رفتار سیاسی قوم ترکمن واکنشی است نسبت به رفتارهای اقوام و حکومت‌های مختلف درباره آنها، یعنی هرگاه از سوی آن‌ها مورد تهاجم، تعدی و بی‌مهری قرار گرفته است، اتحاد درونی قومی شکل گرفته و در فرصت مناسب رفتار واگرائی و گریز از مرکز تقویت شده و از سوئی تأکید بر مشترکاتی چون تاریخ، دین و سرزمین مشترک و همچنین توسعه اجتماعی و اقتصادی منطقه و رعایت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی، عدم تبعیض در احراز سمت‌های کلیدی و شایسته سالاری موجب تقویت گرایش‌های ملی و مرکز گرائی قوم ترکمن می‌شود.

هیودی (۱۳۸۴) در تحقیقی با موضوع «نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی» که در استان خوزستان در میان قوم عرب انجام گرفته، نشان می‌دهد که مشارکت قوم عرب نسبت به

فارس در انتخابات در سطح ملی پایین بوده، اما در انتخاباتی که با انگیزه قومی صورت گرفته است، بالا می‌باشد.

تایلور و جانسون (۱۹۶۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر جغرافیا بر رفتار و گرایش‌های سیاسی و چگونگی رابطه نوع معیشت با گرایش سیاسی پرداختند.

۳. فرضیه و متغیرهای تحقیق

۳-۱. فرضیه تحقیق

بین نوع قومیت و جنسیت مولفه‌های عینی که شامل (عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت سیاسی، توجه به نظرات اقوام) و مولفه‌های ذهنی (سطح احساس تعلق قومی (قوم‌گرایی)، احترام به بزرگان و ریش سفیدان، احترام به نخبگان اقوام) با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

۳-۲. متغیرهای تحقیق

بین نوع قومیت و جنسیت مولفه‌های عینی که شامل (عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت سیاسی، توجه به نظرات اقوام) و مولفه‌های ذهنی (سطح احساس تعلق قومی (قوم‌گرایی)، احترام به بزرگان و ریش سفیدان، احترام به نخبگان اقوام) به عنوان متغیر مستقل و میزان مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته می‌باشد.

۴- روش تحقیق

نوع و روش انجام تحقیق در این پژوهش پیمایشی است.

۴-۱. جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این تحقیق کلیه افراد ۱۸ سال به بالای سه قوم فارس، ترکمن و سیستانی در حوزه شرق استان گلستان زندگی می‌کنند که شامل ۱۱ شهرستان می‌باشد که با توجه به مطالعه اولیه در این حوزه و شدت و ضعف پراکندگی قومیت در شهرستان‌های مختلف، این شهرستان‌ها به سه دسته تقسیم شدند (علی‌آباد، فاضل‌آباد، خان‌ببین، رامیان) و (گنبدکاووس، مینودشت، گالیکش) و (کلاله، مراوه‌تپه، داشلی‌برون) و از میان سه دسته به صورت تصادفی سه شهرستان گنبدکاووس، آزادشهر و کلاله انتخاب گردیدند.

با توجه به شهرستان‌های مورد مطالعه در جامعه آماری، جمعیت افراد ۱۸ سال به بالا ۴۲۲۱۵۱ نفر می‌باشند که حجم نمونه این پژوهش از طریق استفاده از تعیین حجم نمونه از روی حجم جامعه گرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، (Hassanzadeh, 2004: 134) و از طریق فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال ۵ درصد محاسبه شده است و تعداد ۳۸۵ نفر حجم نمونه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است.

۴-۲. ابزار گرد آوری داده‌ها و روایی و پایایی آن:

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسش‌نامه محقق ساخته است. در این تحقیق به منظور تعیین روایی (اعتبار) ابزار گردآوری اطلاعات، از اعتبار صوری محتوایی استفاده شده که از طریق مراجعه به داوران و متخصصین اهل فن انجام گرفته تا به شاخص‌های درستی دست یافته شود. هم‌چنین جهت تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، از روش ضریب آلفای کرونباخ که مقدار آن ۸۳ می‌باشد.

۵. جغرافیا و ترکیب قومیتی استان گلستان

نگاهی به استان گلستان و جمعیت و نمایندگان قومیت‌ها در سه شهرستان مورد پژوهش

۵-۱. استان گلستان

استان گلستان در بخش شمالی کشور واقع گردیده است. این استان از شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از شرق به استان خراسان شمالی و از غرب به دریای خزر و استان مازندران محدود می‌شود. استان گلستان متشکل از ۱۴ شهرستان، ۲۷ بخش، ۲۵ شهر، ۶۰ دهستان، ۱۰۱۱ آبادی مسکونی و ۴۴ آبادی غیرمسکونی می‌باشد. جمعیت این استان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۸۶۸۸۱۹ نفر و ترکیب قومی نیز بدین صورت است که محلی‌ها (فارس) ۴۶/۵۰ درصد و (ترکمن‌ها) ۳۲/۵۳ درصد و (سیستانی‌ها) ۱۵/۱۸ درصد و (بلوچ‌ها) ۴/۳۷ درصد از جمعیت استان را تشکیل می‌دهند.

استان گلستان دارای ۶ حوزه انتخابیه و ۷ نماینده در مجلس شورای اسلامی است.

آق قلا، گرگان ۲ نماینده/ بندرگز، ترکمن، گمیشان، کردکوی ۱ نماینده/ آزادشهر، رامیان ۱ نماینده/ علی آباد ۱ نماینده/ گنبدکاووس ۱ نماینده/ مراوه تپه، کلاله، مینودشت، گالیکش ۱ نماینده.

۲-۵. شهرستان گنبد کاووس

از نظر جمعیتی و براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵، ۳۸۴۷۴۴ نفر بوده است. از نظر تقسیمات کشوری و در حال حاضر، شهرستان گنبدکاووس دارای ۲ بخش، ۲ شهر و ۶ دهستان و ۱۵۶ روستای دارای سکنه و مکان جغرافیایی است.

جدول ۱: ترکیب قومیتی شهرستان گنبد کاووس

قومیت	فارس	سیستانی	بلوچ	ترک	ترکمن	کرد	افاغنه	سایر	-
درصد	۱۴,۶۱	۱۱	۳,۱۳	۶,۲۳	۶۳	۱	۰,۱۳	۰,۹	٪۱۰۰

ترکیب نمایندگان مجلس:

دوره‌های اول و سوم و نهم از قومیت فارس و دوره‌های دوم و چهارم و پنجم و ششم و میان دوره ششم و همچنین هفتم و هشتم و دهم از قومیت ترکمن می باشند.

۳-۵. شهرستان کلالة

از نظر جمعیتی و براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵، ۱۱۷۳۱۹ نفر بوده است. از نظر تقسیمات کشوری و در حال حاضر، شهرستان کلالة دارای ۲ بخش، ۲ شهر و ۵ دهستان و ۱۱۱ روستای دارای سکنه و مکان جغرافیایی است.

جدول ۲: ترکیب قومیتی شهرستان کلالة در سال ۱۳۹۵

قومیت	فارس	سیستانی	بلوچ	ترک	ترکمن	کرد	افاغنه	سایر	-
درصد	۴/۸۰	۱۵/۵۷	۲	۰/۵۵	۷۶/۳۵	۰/۷۰	۰,۰۲	۰,۱	٪۱۰۰

ترکیب نمایندگان مجلس:

دوره‌های اول و دوم و پنجم و ششم و میان دوره ای ششم و دوره هشتم از قومیت فارس و دوره‌های سوم و چهارم و هفتم و نهم و دهم از قومیت ترکمن می باشند.

۴-۵. شهرستان آزادشهر

از نظر جمعیتی و براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵، ۹۶۸۰۳ نفر بوده است. از نظر تقسیمات کشوری و در حال حاضر، شهرستان آزادشهر دارای ۲ بخش، ۳ شهر و ۴ دهستان و ۵۳ روستای دارای سکنه و مکان جغرافیایی است.

بررسی رابطه بین مولفه‌های عینی و ذهنی ...

جدول ۳: ترکیب قومیتی شهرستان آزادشهر ۱۳۹۵

قومیت	فارس	سیستانی	بلوچ	ترک	ترکمن	کرد	افغانه	سایر	-
درصد	۴۹/۱۲	۱۸/۰۴	۱۰	۱۱/۵۰	۱۰/۳۲	۱	۰,۰۲۱	۰,۱	٪۱۰۰

ترکیب نمایندگان مجلس:

دوره‌های اول و دوم پنجم و ششم و میان دوره‌ای ششم و هفتم و هشتم و نهم از قومیت فارس و دوره چهارم از قومیت ترکمن و دوره‌های سوم و دهم از قومیت سیستانی می‌باشند.

۶. نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات (فنون پردازش داده‌ها)

۱-۶. تکنیک‌های توصیف و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از آماره توصیفی و آماره‌های استنباطی برای آزمون فرضیات استفاده شده است.

جدول ۴: آماره توصیفی جنسیت، سن، تحصیلات، قومیت، شغل، محل سکونت، وضعیت تاهل

	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۱۵	۷۰/۱	۱۶۳	۴۲/۳	
	زن	۲۷۰	۲۹/۹	۴۸	۱۲/۵	
سن	۱۸-۳۷ سال	۱۷۸	۴۶/۲	۷۳	۱۹	
	۳۷-۵۷ سال	۱۸۶	۴۸/۳	۳۵	۹/۱	
	۵۸ سال به بالا	۲۱	۵/۵	۲۷	۷	
	بیسواد و زیر دیپلم	۷۲	۱۸/۷	۳۹	۱۰/۱	
تحصیلات	دیپلم و کارشناسی ارشد	۲۵۹	۶۷/۳	۱۹۰	۴۹/۴	
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۵۴	۱۴	۱۹۵	۵۰/۶	
قومیت	فارس	۹۱	۲۳/۶	۶۸	۱۷/۷	
	ترکمن	۲۳۰	۵۹/۷	۳۱۱	۸۰/۸	
	سیستانی	۶۴	۱۶/۶	۶	۱/۵	

جدول ۵: آماره‌های توصیفی مشارکت بر اساس جنس و قومیت افراد

متغیر	جنس و قومیت	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس
مشارکت سیاسی	زن	۱۳/۸۰	۱۴	۳/۶۱	۱۳
	مرد	۱۲/۵۲	۱۳	۳/۲۸	۱۰/۷۷
	فارس	۱۳	۱۴	۴/۱۷	۱۷/۳۸
	ترکمن	۱۳/۴۷	۱۴	۳/۲۹	۱۰/۸۰
	سیستانی	۱۳/۸۱	۱۴	۳/۵۵	۱۰/۵۹
	کل	۱۳/۴۱	۱۴	۳/۵۶	۱۲/۶۵

۱. میانگین مشارکت سیاسی زنان اقوام مختلف با نمره کل میانگین ۱۳/۸۰ نسبت به مشارکت سیاسی مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۲/۵۲ بیشتر است.
۲. مشارکت سیاسی در قوم سیستانی با میانگین کل ۱۳/۸۱ نسبت به قوم فارس و ترکمن بیشتر است.

جدول ۶: آماره‌های توصیفی عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت‌های سیاسی اقوام

متغیر	جنس و قومیت	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس
عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت‌های سیاسی اقوام	زن	۸/۰۷	۸	۲/۹۲	۸/۵۳
	مرد	۸/۳۷	۸	۲/۷۲	۷/۴۱
	فارس	۸/۸۹	۹	۳/۰۸	۹/۵۰
	ترکمن	۷/۸۳	۸	۲/۷۴	۷/۴۹
	سیستانی	۸/۲۸	۸	۲/۸۳	۷/۹۸
	کل	۸/۱۶	۸	۲/۸۶	۸/۱۹

۱. میانگین عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت‌های سیاسی زنان اقوام مختلف با نمره کل میانگین ۸/۰۷ نسبت به عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت‌های سیاسی مردان اقوام مختلف با نمره کل ۸/۳۷ کمتر است.
۲. عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت‌های سیاسی در قوم فارس با میانگین کل ۸/۸۹ نسبت به قوم سیستانی و ترکمن بیشتر است.

جدول ۷: آماره‌های توصیفی توجه به نظرات اقوام

متغیر	جنس و قومیت	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس
توجه به نظرات اقوام	زن	۵/۰۵	۵	۲/۰۶	۴/۲۲
	مرد	۵/۲۳	۶	۱/۹۶	۳/۸۳
	فارس	۵/۵۳	۶	۲/۲۶	۵/۱۲
	ترکمن	۴/۸۰	۵	۱/۹۳	۳/۷۲
	سیستانی	۵/۵۸	۶	۱/۸۳	۳/۳۶
	کل	۵/۱۰	۵	۲/۰۳	۴/۱۰

۱. میانگین متغیر توجه به نظرات اقوام در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین کل ۵/۰۵ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۵/۲۳ کمتر است.
۲. متغیر توجه به نظرات اقوام، قوم سیستانی با میانگین ۵/۵۸ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم ترکمن با میانگین ۴/۸۰ کمتر است.

جدول ۸: آماره‌های توصیفی توجه به نظرات اقوام

متغیر	جنس و قومیت	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس
قوم گرایی	زن	۱۴/۲۸	۱۴	۳/۷۲	۱۳/۸۱
	مرد	۱۴/۶۰	۱۵	۳/۶۶	۱۳/۴۲
	فارس	۱۳/۲۳	۱۴	۴/۴۱	۱۹/۴۹
	ترکمن	۱۴/۷۴	۱۵	۳/۱۴	۹/۸۶
	سیستانی	۱۴/۶۷	۱۶	۴/۱۵	۱۷/۲۴
	کل	۱۴/۳۷	۱۵	۳/۷۰	۱۳/۶۸

۱. میانگین متغیر قوم گرایی در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین کل ۱۴/۲۸ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۴/۶۰ کمتر است.
۲. متغیر قوم گرایی قوم ترکمن با میانگین ۱۴/۷۴ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم فارس با میانگین ۱۳/۲۳ کمتر است.

جدول ۹: آماره‌های توصیفی احترام به نخبگان اقوام

متغیر	جنس و قومیت	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس
احترام به نخبگان اقوام	زن	۱۴/۱۴	۱۵	۳/۷۰	۱۳/۷۲
	مرد	۱۴/۰۴	۱۵	۳/۸۴	۱۴/۷۳
	فارس	۱۳/۲۲	۱۴	۴/۴۹	۲۰/۱۷
	ترکمن	۱۴/۵۹	۱۵	۳/۲۸	۱۰/۷۳
	سیستانی	۱۳/۶۶	۱۴	۳/۹۰	۱۵/۲۵
	کل	۱۴/۱۱	۱۵	۳/۷۴	۱۳/۹۹

۱. میانگین متغیر احترام به نخبگان اقوام در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین کل ۱۴/۱۴ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۴/۰۴ بیشتر است.
۲. متغیر احترام به نخبگان اقوام، قوم ترکمن با میانگین ۱۴/۵۹ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم فارس با میانگین ۱۳/۲۲ کمتر است.

جدول ۱۰: آماره‌های توصیفی احترام به بزرگان و ریش سفیدان

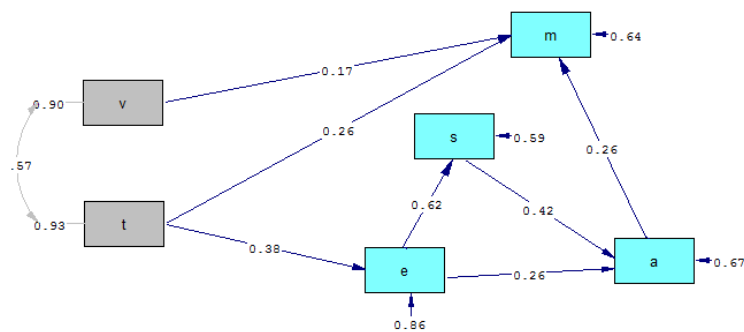
متغیر	جنس و قومیت	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس
احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام	زن	۱۳/۵۳	۱۴	۴/۱۳	۱۷/۱۰
	مرد	۱۳/۸۱	۱۴	۴/۱۲	۱۷
	فارس	۱۲/۴۴	۱۴	۴/۸۹	۲۳/۸۹
	ترکمن	۱۴/۰۳	۱۴	۳/۶۳	۱۳/۱۷
	سیستانی	۱۳/۷۷	۱۵	۴/۳۸	۱۹/۲۰
	کل	۱۳/۶۱	۱۴	۴/۱۳	۱۷/۰۴

۱. میانگین متغیر احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین ۱۳/۵۳ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۳/۸۱ کمتر است.
۲. متغیر احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام، قوم ترکمن با میانگین ۱۴/۰۳ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم فارس با میانگین ۱۲/۴۴ کمتر است.

بررسی رابطه بین مولفه‌های عینی و ذهنی ...

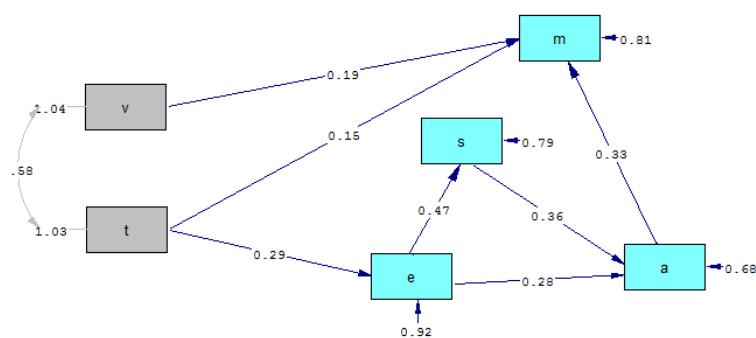
جدول ۱۱: راهنمای علائم مدل‌ها

M	مشارکت سیاسی
V	عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت‌های سیاسی اقوام
T	توجه به نظرات اقوام
S	قوم‌گرایی
A	احترام به نخبگان اقوام
E	احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام



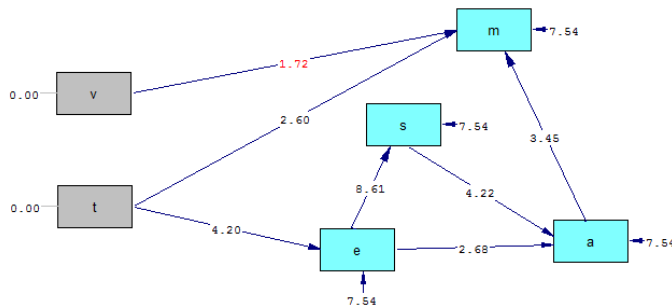
Chi-Square=27.88, df=21, P-value=0.14352, RMSEA=0.036

شکل ۱: مدل مفهومی اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد، در حالت مردان



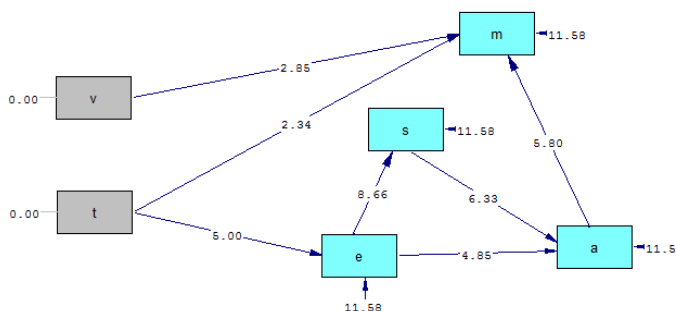
Chi-Square=27.88, df=21, P-value=0.14352, RMSEA=0.036

شکل ۲: مدل مفهومی اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد، در حالت زنان



Chi-Square=27.88, df=21, P-value=0.14352, RMSEA=0.036

شکل ۳: مدل مفهومی اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با T، در حالت مردان



Chi-Square=27.88, df=21, P-value=0.14352, RMSEA=0.036

شکل ۴: مدل مفهومی اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با T، در حالت زنان

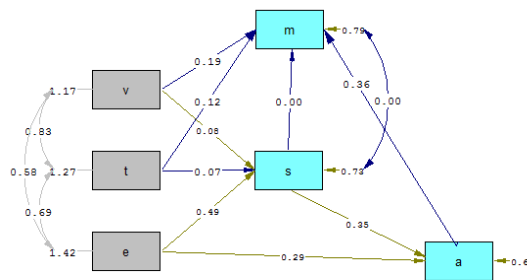
جدول ۱۲: شاخص‌های برازش مدل

کای اسکوئر	درجه آزادی	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی	CFI	GFI	RMSEA
۲۷/۸۸	۲۱	۳ < ۱/۳۲	۰/۹۰ > ۰/۹۹	۰/۹۹ > ۰/۹۰	۰/۰۳ < ۰/۰۶

با توجه به اینکه $(X^2_{df=7}=27.88$ و $p=0/14>0.05$) می‌باشد فرضیه صفر مبنی بر تساوی دو ماتریس کوواریانس مشاهده شده و تخمین زده شده تایید می‌شود که نشان‌دهنده انطباق کامل مدل اصلاح شده با مشاهدات و در اصطلاح نیکویی برازش مدل می‌باشد. بر اساس شاخص‌های معتبر: نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی CFI, GFI, RMSEA نیز مدل تایید می‌شود.

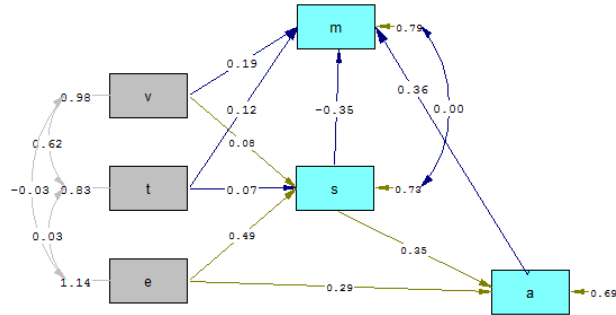
جدول ۱۳: مقایسه اثرات مستقیم و غیر مستقیم و کل استاندارد در گروه کلی، مردان، زنان

متغیرها	کلی یا هر دو جنس	مردان	زنان
مشارکت سیاسی-عدم وجود تبعیض (V-M)	۰/۱۸**	۰/۱۷	۰/۱۹**
مشارکت سیاسی-توجه نظرات اقوام (T-M)	۰/۲۲**	۰/۳۱**	۰/۱۹**
مشارکت سیاسی-احترام به نخبگان (A-M)	۰/۳۱**	۰/۲۶**	۰/۳۳**
توجه نظرات اقوام-احترام به بزرگان و ریش سفیدان (T-E)	۰/۳۱**	۰/۳۸**	۰/۲۹**
احترام به بزرگان و ریش سفیدان- قوم گرایی (E-S)	۰/۵۲**	۰/۶۲**	۰/۴۷**
احترام ریش سفیدان- احترام به نخبگان (E-A)	۰/۴۷**	۰/۵۲**	۰/۴۴**
قوم گرایی-احترام به بزرگان و ریش سفیدان (S-A)	۰/۳۷**	۰/۴۲**	۰/۳۲**
مشارکت سیاسی - احترام به ریش سفیدان (E-M)	۰/۱۴**	۰/۱۳**	۰/۱۵**
مشارکت سیاسی - قوم گرایی (S-M)	۰/۱۱	۰/۱۱**	۰/۱۲**



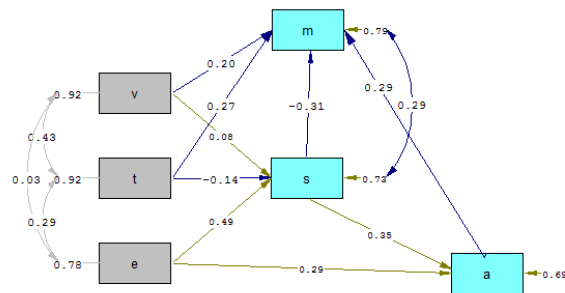
Chi-Square=54.97, df=43, P-value=0.10431, RMSEA=0.038

شکل ۵: مدل مفهومی (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد، در گروه قوم فارس



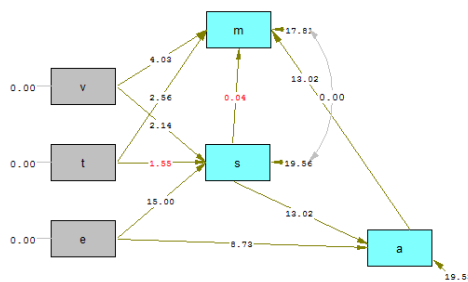
Chi-Square=54.97, df=43, P-value=0.10431, RMSEA=0.038

شکل ۶: مدل مفهومی اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد، در گروه قوم سیستانی‌ها



Chi-Square=54.97, df=43, P-value=0.10431, RMSEA=0.038

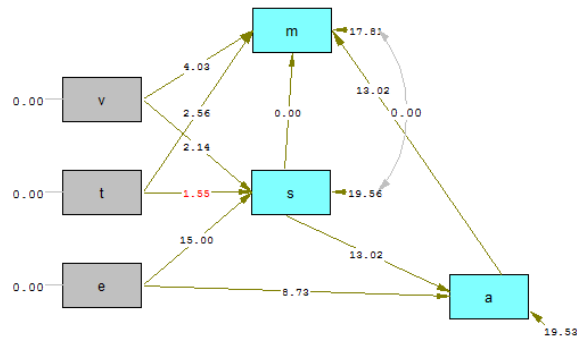
شکل ۷: مدل مفهومی اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب استاندارد، در گروه قوم ترکمن



Chi-Square=54.97, df=43, P-value=0.10431, RMSEA=0.038

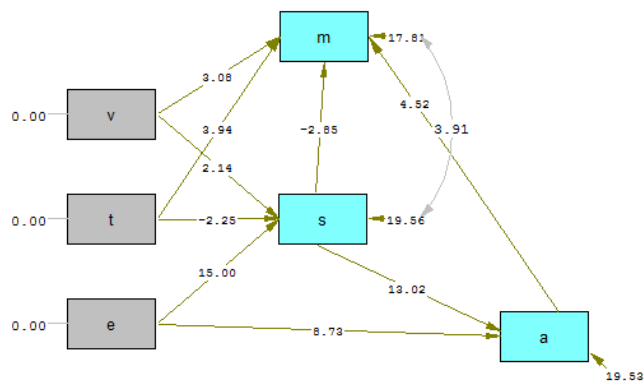
شکل ۸: مدل مفهومی (دیاگرام مسیر) با ضرایب T، در گروه قوم فارس

بررسی رابطه بین مولفه‌های عینی و ذهنی ...



Chi-Square=54.97, df=43, P-value=0.10431, RMSEA=0.038

شکل ۹: مدل مفهومی اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب T، در گروه قوم سیستانی‌ها



Chi-Square=54.97, df=43, P-value=0.10431, RMSEA=0.038

شکل ۱۰: مدل مفهومی اصلاح شده (دیاگرام مسیر) با ضرایب T، در گروه قوم ترکمن

جدول ۱۴: مقایسه اثرات مستقیم و غیر مستقیم و کل استاندارد در گروه کلی، فارس‌ها، سیستانی‌ها و ترکمن‌ها

متغیرها	کلی یا هر سه قوم	فارس	سیستانی	ترکمن
مشارکت سیاسی-عدم وجود تبعیض (V-M)	۰/۱۹**	۰/۱۹**	۰/۱۷**	۰/۱۸**
مشارکت سیاسی-توجه به نظرات اقوام (T-M)	۰/۱۲**	۰/۱۲**	۰/۱۲**	۰/۲۳**
مشارکت سیاسی-احترام به نخبگان (A-M)	۰/۳۶**	۰/۳۶**	۰/۳۶**	۰/۲۹**
توجه به نظرات اقوام-قوم گرایی (T-S)	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۴**
احترام به بزرگان و ریش سفیدان-قوم گرایی (E-S)	۰/۴۹**	۰/۴۹**	۰/۴۹**	۰/۴۹**
احترام ریش سفیدان-احترام به نخبگان (E-A)	۰/۴۱**	۰/۴۱**	۰/۴۱**	۰/۴۶**
قوم گرایی-احترام به بزرگان و ریش سفیدان (S-A)	۰/۲۵**	۰/۲۵**	۰/۲۵**	۰/۳۵**
مشارکت سیاسی - احترام به ریش سفیدان (E-M)	۰/۱۶**	۰/۱۶**	۰/۱۴**	۰/۰۳
مشارکت سیاسی - قوم گرایی (S-M)	۰/۱۳**	۰/۰۹**	-۰/۲۴**	-۰/۲۱**
احترام به بزرگان و ریش سفیدان-احترام به نخبگان (V-S)	۰/۰۸**	۰/۰۸**	۰/۰۸**	۰/۰۸**

با توجه به ضرایب مسیر استاندارد و ضرایب معنی داری T مندرج در شکل‌های (۱)، (۲)، (۳)، (۴) و جدول (۱۳) در خصوص جنسیت و (۵)، (۶)، (۷)، (۸)، (۹)، (۱۰) و جدول (۱۴) در خصوص قومیت است.

۲-۶. فرضیه‌های مبتنی بر نوع جنسیت مولفه‌های عینی و ذهنی:

۲-۶-۱. بین عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت سیاسی مردان و زنان با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

در گروه مردان ضریب مسیر عدم وجود تبعیض منتهی به مشارکت ۰/۱۷ ولی معنادار ($t < 1.96$) نمی‌باشد اما در گروه زنان ۰/۱۹ و معنادار ($t > 2.58$) می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت بین دو متغیر در گروه مردان رابطه معنادار وجود ندارد و ضریب مسیر (۰/۱۷) معنادار نبوده و تصادفی می‌باشد. اما در گروه زنان می‌توان انتظار داشت که با هر واحد افزایش در متغیر عدم تبعیض، ۰/۱۹ بر مشارکت سیاسی اقوام افزوده شود.

۲-۲-۶. بین توجه به نظرات اقوام در گروه مردان و زنان با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

در گروه مردان ضریب مسیر استاندارد مستقیم توجه به نظرات اقوام منتهی به مشارکت سیاسی ۰/۲۸ و در گروه زنان ۰/۱۵ است و ضرایب مسیر غیر مستقیم و منتهی به مشارکت سیاسی از طریق متغیرهای مداخله‌گر احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام، احترام به نخبگان اقوام و قوم‌گرایی در گروه مردان ۰/۰۵ و در گروه زنان ۰/۰۴ می‌باشد. بنابراین ضریب مسیر استاندارد کل در گروه مردان ۰/۳۱ و در گروه زنان ۰/۱۹ بوده و میتوان انتظار داشت با هر واحد افزایش در متغیر توجه به نظرات اقوام شاهد ۰/۳۱ افزایش در گروه مردان و ۰/۱۹ افزایش در گروه زنان در مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود و ضریب معناداری $T(2.58) > t$ می‌باشد.

۳-۲-۶. بین سطح احساس تعلق قومی (قوم‌گرایی) در گروه مردان و زنان با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

ضریب مسیر استاندارد مستقیم قوم‌گرایی منتهی به مشارکت سیاسی در هر دو گروه وجود ندارد ولی ضریب مسیر استاندارد، قوم‌گرایی از طریق متغیر واسطه‌گر احترام به نخبگان اقوام، با مشارکت سیاسی در گروه مردان ۰/۲۶ و در گروه زنان ۰/۱۲ می‌باشد. بنابراین هرچند ظاهراً بین دو متغیر رابطه مستقیم وجود ندارد ولی فرضیه فوق با واسطه‌گری متغیر احترام به نخبگان اقوام مورد تایید قرار می‌گیرد. با هر واحد افزایش در قوم‌گرایی در مردان شاهد ۰/۲۶ افزایش و در زنان ۰/۱۲ افزایش در مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود و ضریب معناداری $T(2.58) > t$ می‌باشد.

۴-۲-۶. بین احترام به نخبگان اقوام در گروه مردان و زنان با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

در گروه مردان ضریب مسیر استاندارد مستقیم احترام به نخبگان اقوام منتهی به مشارکت سیاسی ۰/۲۶ و در گروه زنان ۰/۳۳ می‌باشد. بنابراین می‌توان انتظار داشت با هر واحد افزایش در متغیر احترام به نخبگان اقوام شاهد ۰/۲۶ افزایش مردان و ۰/۳۳ افزایش زنان در مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود و ضریب معناداری $T(2.58) > t$ می‌باشد.

۵-۲-۶. بین احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام در گروه مردان و زنان با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

در گروه مردان و زنان ضریب مسیر استاندارد مستقیم احترام به بزرگان و ریش سفیدان منتهی به مشارکت سیاسی وجود ندارد ضریب مسیر استاندارد، احترام به بزرگان و ریش سفیدان از طریق متغیر واسطه گر احترام به نخبگان اقوام و قوم گرایی در گروه مردان، با مشارکت سیاسی ۰/۱۳ و در گروه زنان ۰/۱۵ می‌باشد. بنابراین با هر واحد افزایش در احترام به نخبگان اقوام در گروه مردان شاهد ۰/۱۳ و در گروه زنان ۰/۱۵ افزایش در مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود و ضریب معناداری در هر دو $T (t > 2.58)$ می‌باشد.

۳-۶. فرضیه‌های مبتنی بر نوع قومیت مولفه‌های عینی و ذهنی

۱-۳-۶. بین عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت سیاسی اقوام با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

در قوم فارس و در قوم سیستانی با توجه به ضرایب مسیر استاندارد و ضرایب معناداری (T) ضریب مسیر عدم تبعیض منتهی به مشارکت ۰/۱۹ و معنادار ($t > 1.96$) می‌باشد. بنابراین می‌توان انتظار داشت با هر واحد افزایش در متغیر عدم تبعیض، ۰/۱۹ بر مشارکت سیاسی اقوام افزوده شود و همچنین در قوم ترکمن، ضریب مسیر عدم تبعیض منتهی به مشارکت ۰/۲۰ و معنادار ($t > 1.96$) می‌باشد. ضریب مسیر غیر مستقیم عدم تبعیض با واسطه گری قوم گرایی و احترام به نخبگان اقوام ۰/۰۲- است بنابراین می‌توان انتظار داشت در کل با هر واحد افزایش در عدم تبعیض شاهد ۰/۱۸ افزایش در مشارکت خواهیم بود.

۱. میانگین مشارکت سیاسی زنان اقوام مختلف با نمره کل میانگین ۱۳/۸۰ نسبت به توسعه مشارکت سیاسی مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۲/۵۲ کمتر است.

۲. مشارکت سیاسی در قوم سیستانی با میانگین کل ۱۳/۸۱ نسبت به قوم فارس و ترکمن بیشتر است.

۲-۳-۶. بین توجه به نظرات اقوام در اقوام با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

قوم فارس و قوم سیستانی ضریب مسیر استاندارد مستقیم توجه به نظرات اقوام منتهی به مشارکت سیاسی ۰/۱۲ می‌باشد. بنابراین می‌توان انتظار داشت با هر واحد افزایش در متغیر

توجه به نظرات اقوام، شاهد ۰/۱۲ افزایش در مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود. و در قوم ترکمن ضریب مسیر استاندارد مستقیم توجه به نظرات اقوام منتهی به مشارکت سیاسی ۰/۲۷ می‌باشد. ضریب مسیر غیر مستقیم بین این دو متغیر با واسطه‌گری قوم‌گرایی و احترام به نخبگان اقوام ۰/۰۴- است و در هر سه قوم ضریب معناداری $T (t > 1.96)$ می‌باشد. بنابراین میتوان انتظار داشت در کل با هر واحد افزایش در توجه به نظرات اقوام، شاهد ۰/۲۳ افزایش در مشارکت سیاسی اقوام خواهیم بود.

میانگین متغیر قوم‌گرایی در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین کل ۱۴/۲۸ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۴/۶۰ کمتر است. متغیر قوم‌گرایی قوم ترکمن با میانگین ۱۴/۷۴ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم فارس با میانگین ۱۳/۲۳ کمتر است.

۳-۳-۶. بین سطح احساس تعلق قومی (قوم‌گرایی) در اقوام با مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

در قوم فارس، ضریب مسیر استاندارد مستقیم قوم‌گرایی منتهی به مشارکت سیاسی صفر و در قوم سیستانی ۰/۳۵- و در قوم ترکمن ۰/۳۱- می‌باشد. ولی ضریب مسیر استاندارد، قوم‌گرایی از طریق متغیر واسطه‌گر احترام به نخبگان اقوام، در قوم فارس با مشارکت سیاسی ۰/۱۳، در قوم سیستانی ۰/۱۳ و در قوم ترکمن ۰/۱۰ است و در هر سه قوم ضریب معناداری $T (t > 1.96)$ می‌باشد. در کل با هر واحد افزایش در قوم‌گرایی در سه قومیت فارس، سیستانی و ترکمن شاهد، ۰/۱۳، ۰/۲۲ و ۰/۲۱ کاهش در مشارکت سیاسی خواهیم بود.

۳-۳-۶. بین احترام به نخبگان اقوام در اقوام با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

در قوم فارس، ضریب مسیر استاندارد مستقیم احترام به نخبگان اقوام منتهی به مشارکت سیاسی ۰/۳۶ و ضریب معناداری $T (t > 2.58)$ و در قوم سیستانی ۰/۳۶ و ضریب معناداری $T (t > 1.96)$ در قوم ترکمن ۰/۲۹ و ضریب معناداری $T (t > 2.58)$ می‌باشد. بنابراین می‌توان انتظار داشت با هر واحد افزایش در متغیر احترام به نخبگان اقوام، فارس و سیستانی شاهد ۰/۳۶ و قوم ترکمن ۰/۲۹ افزایش در مشارکت سیاسی خواهیم بود.

میانگین متغیر احترام به نخبگان اقوام در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین کل ۱۴/۱۴ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۴/۰۴ بیشتر است.

متغیر احترام به نخبگان اقوام، قوم ترکمن با میانگین ۱۴/۵۹ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم فارس با میانگین ۱۳/۲۲ کمتر است.

۳-۵. بین احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام در اقوام با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

در قوم فارس، سیستانی و ترکمن، ضریب مسیر استاندارد مستقیم احترام به بزرگان و ریش سفیدان منتهی به مشارکت سیاسی وجود ندارد ولی ضریب مسیر استاندارد، از طریق متغیر واسطه‌گر احترام به نخبگان اقوام و قوم گرایی، در قوم فارس با مشارکت سیاسی ۰/۱۶ و ضریب معناداری $T (t > 2.58)$ و در قوم سیستانی صفر و ضریب معناداری $T (t > 1.96)$ و قوم ترکمن ۰/۰۲- ضریب معناداری $T (t > 1.96)$ می‌باشد.

میانگین متغیر احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام در زنان اقوام مختلف با نمره میانگین ۱۳/۵۳ نسبت به مردان اقوام مختلف با نمره کل ۱۳/۸۱ کمتر است.

متغیر احترام به بزرگان و ریش سفیدان اقوام، قوم ترکمن با میانگین ۱۴/۰۳ نسبت به دیگر اقوام بیشتر و همین متغیر در قوم فارس با میانگین ۱۲/۴۴ کمتر است.

نتیجه‌گیری

نتایج سنجش رابطه متغیرهای مورد بررسی، نشانگر وجود رابطه بین نوع جنسیت و نوع قومیت مولفه‌های عینی و ذهنی به‌عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته می‌باشد. لیکن میزان همبستگی بین متغیرها متفاوت است.

در این میان، میانگین مشارکت سیاسی زنان نسبت به مردان بیشتر است و در رابطه با قومیت‌ها، میانگین مشارکت سیاسی با فاصله اندکی در قوم سیستانی نسبت به قوم فارس و قوم ترکمن بیشتر است.

در خصوص نوع جنسیت و قومیت مولفه‌ی عینی (عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت سیاسی کشور) میانگین مشارکت سیاسی زنان کمتر از مردان است و قوم فارس نسبت به قوم سیستانی و قوم ترکمن میانگین مشارکتی بالاتری دارد و توجه به نظرات اقوام، میانگین مشارکت سیاسی زنان نسبت به مردان کمتر است و قوم سیستانی نسبت به قوم ترکمن بیشتر و قوم ترکمن از میانگین کمتری برخوردار است.

_____ بررسی رابطه بین مولفه‌های عینی و ذهنی ...

در خصوص نوع جنسیت و قومیت مولفه‌های ذهنی (احساس تعلق به قوم یا قوم گرایی) در زنان نسبت به مردان، میانگین مشارکت سیاسی کمتر است و میانگین قوم ترکمن نسبت به قوم سیستانی و قوم فارس بیشتر می‌باشد.

در خصوص احترام به نخبگان، میانگین مشارکت زنان نسبت به مردان بیشتر و میانگین قوم ترکمن نسبت به قوم سیستانی و فارس بیشتر می‌باشد.

در این پژوهش؛ نوع جنسیت و نوع قومیت مولفه‌های عینی و ذهنی بر مشارکت سیاسی موثر واقع شده اند و نتایج این پژوهش، مطالعات هانتینگتون، لیپست و دوز، دانیل لرنر، مایکل راش در زمینه (مشارکت سیاسی) و پل آر براس و آنتونی اسمیت در رابطه با (قدرت نخبگان) و مایکل بانتون در خصوص (انتخاب عقلانی) و تد رابرت گر در زمینه (رقابت برسرمنابع) و مایکل هشر در رابطه با (محرومیت نسبی) را تائید می‌کند و همچنین همخوانی و قرابت با مطالعات هیودی (۱۳۸۴)، دوانلو (۱۳۹۱)، حسینی (۱۳۹۱)، حافظ‌نیا و پیردشتی (۱۳۸۱)، هادیان (۱۳۹۱) دارد.

بنابراین با توجه به اینکه در استان گلستان اقوام مختلفی زندگی می‌کنند، توجه به جنسیت و قومیت در زمینه مشارکت سیاسی و حضور در صحنه انتخابات مجلس شورای اسلامی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و تلاش در جهت رفع تبعیض در دسترسی به مدیریت‌های سیاسی و توجه به اقوام و نظرات آن‌ها و همچنین تکریم نخبگان و بزرگان و ریش سفیدان اقوام در این خطه از سرزمین ایران می‌تواند زمینه و بستر مناسب مشارکت سیاسی و همزیستی مسالمت آمیز بیش از پیش را فراهم سازد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اپتر، دیوید؛ اندرین، چارلز اوف (۱۳۸۰). **اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی**، ترجمه محمد رضا سعید آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷). «منابع ناسیونالیسم قومی»، ترجمه فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار، صص ۲۰۷-۱۸۳.

امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۷۴). «در جستجوی مفهوم سیاست‌های قومی»، نشریه جامعه سالم، سال پنجم، شماره ۲۱، شماره ۲۱، تیرماه، صص ۴۷-۳۷.

- بیرو، آلن (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقرساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- روشه، گی (۱۳۸۴). *تغییرات اجتماعی*، چاپ هفدهم، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ریترز، جورج (۱۳۷۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه احمد غروی زاده، تهران: ناشر موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).
- سیف‌زاده، حسن (۱۳۷۴). *نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی در دگرگونی سیاسی*، تهران: انتشارات قومس.
- الطائی، علی (۱۳۸۷). *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: نشر شادگان.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *مشارکت سیاسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات سفیر.
- قمری، داریوش (۱۳۸۴). *همبستگی ملی در ایران*، تهران: نشر متمدن ایرانی.
- کوئن، بروس (۱۳۸۱). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات سمت.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). *جهانی شدن فرهنگ هویت*، تهران: نشر نی.
- گل وردی، عیسی (۱۳۹۱). *اقوام ایرانی و زمینه‌های همگرایی*، تهران: انتشارات کمیل
- لیپست، مارتین؛ دوزه، رابرت (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمد حسین فرجاد، تهران: انتشارات توس.
- محرابی، علیرضا (۱۳۸۷). *بررسی و تبیین مبانی و مولفه‌های انسجام ملی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۵). *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*، تهران: انتشارات زرین.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). *تحولات قومی در ایران*، (علل و زمینه‌ها خ)، موسسه مطالعات ملی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

(ب) منابع انگلیسی

Brass, Paul. R. (1991). **Ethnicity and Nationalism: Theory and Comparison**. NewDahila: Pvt, Saye Publication India.